

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۷

هزار و سیصد و نود و پنج - نیمسال اول

- تحلیل آثار حبس بر زندانیان زن در پرتو نظریه «قوانین تقلید» گابریل تارد
مهدی فضلی - شهین دارابی‌پناه
۵
- شهادت از راه دور (تحلیل ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی)
دکتر ابوالقاسم خدادی - علی خالدی
۳۳
- سنجش تأثیرپذیری از روانشناسی شهادت در رویه عملی دادرسی‌های شهر تهران
دکتر محمد آشوری - آسیه اکبری شارک
۵۷
- تحریم‌های یکجانبه علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل کیفری: جنایت علیه بشریت؟
دکتر سید قاسم زمانی - حسین فرحی - دکتر آرامش شهبازی
۸۷
- تقارن مسؤولیت بین‌المللی فرد و دولت در قبال تجاوز
هیلا رضائی - دکتر صادق سلیمی
۱۰۷
- جلوه‌های ترمیمی معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق
فاطمه السادات قریشی محمدی - دکتر مهدی مومنی
۱۲۵





http://jcl.ac.ir/article_41786.html

سنجش تأثیر پذیری از روانشناسی شهادت

در رویه عملی دادسراهای شهر تهران

دکتر محمد آشوری* - آسیه اکبری شارک**

چکیده:

این مقاله با هدف تبیین تأثیر یافته‌های روانشناسی بر اعتبار شهادت شهود و بررسی رویه عملی دادسراهای شهر تهران در این خصوص به ارائه شاخص‌ها و معیارهایی برای ارزیابی اعتبار شهادت شهود می‌پردازد.

پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه؛ یافته‌های روانشناسی چگونه می‌تواند بر نظام ارزیابی اعتبار شهادت شهود تأثیرگذار باشد. روش به کار گرفته شده در پژوهش حاضر به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی و با استفاده از ابزارهای فیش‌برداری و پرسش‌نامه می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه قضات دادسراهای شهر تهران هستند و نمونه آماری، ۳۰ نفر از قضات دادسراها هستند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و با آزمون‌های پارامتری یا ناپارامتری توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که با استفاده از یافته‌های روانشناسی می‌توان به شاخص‌های معتبری در خصوص ارزیابی اعتبار شهادت شهود دست یافت. همچنین آزمون‌های آماری گویای این موضوع است که قضات دادسراهای شهر تهران از برخی از شاخص‌های روانشناسی در ارزشیابی اعتبار شهادت شهود پیروی نمی‌کنند.

کلیدواژه‌ها:

شهادت، ارزیابی، روانشناسی شهادت، اعتبار شهادت.

* استاد دانشگاه تهران / آزاد اسلامی علوم و تحقیقات واحد تهران

Email: ashouri_mohammad@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، نویسنده

مسئول

Email: akbarisharak.a@gmail.com

مقدمه

علوم روانشناسی و حقوق از دهه ۱۹۶۰ به بعد رشد زیادی کرده‌اند. در واقع ضرورت پژوهش‌های میان رشته‌ای ایجاب کرد تا این دو علم با هم پیوند خورند. تلفیق روانشناسی و حقوق، برای پیشرفت کیفیت قانونگذاری، رویه قضایی و اتخاذ تصمیمات قانونی می‌تواند مفید فایده باشد اگرچه هر کدام روش متفاوتی در تحلیل این موضوعات دارند. به نظر می‌رسد اشتراک و اصطکاک این دو رشته نسبت به یکدیگر رو به فزونی است. زیرا بر اساس تعاریف نوین ارائه شده در مورد روانشناسی، که علم مطالعه رفتار و فرایندهای روانی عنوان شده است، روانشناسان اهداف خود را با مطالعه فرایندهای روانی، مغزی، هوشی، فکری و رفتاری پیش می‌برند. با در نظر گرفتن این مطلب که تمام قوانین نیز با یک هدف غایی تدوین شده‌اند که عبارت است از: تنظیم رفتارهای بشری، می‌توان به ارتباط هرچه بیشتر این دو رشته علمی پی برد. این دو رشته از پتانسیل عظیمی برای اصلاح کیفیت قانون و نظام‌های حقوقی و اظهار نظر مفید در رابطه با عملکرد کنونی و بازشناسی قوانین جایگزین و شیوه‌هایی که می‌توانند در رسیدن به اهداف مؤثر واقع شوند، برخوردارند. برای مثال، گروهی از روانشناسان برای ارزشیابی صحت شهادت، صداقت شهود، به بازپرسان و قضات در فرایند تصمیم‌گیری و ارزیابی قضایی، با ارائه شاخص‌ها و معیارهایی کمک می‌کنند.^۱

در واقع می‌توان گفت شهادت شاهد، یک مؤلفه اساسی در نظام عدالت کیفری است. که بر هر جنبه از فرایند دادرسی، از کشف توسط پلیس تا محاکمه تأثیر می‌گذارد. جنبه کاربردی پژوهش حاضر این است که، مراجع قضایی و ضابطین دادگستری، باید مهارت مصاحبه با بازجوشوندگان را فراگیرند. در واقع اگر تجربه و تبحر بازجوشوندگان با روش‌های نوین علمی، مؤثر و دارای بازدهی بالا همراه شود، علی‌رغم نتایج مطلوب و مؤثر، درصد خطای قضایی را کاهش می‌دهد و این مهم که در واقع، یکی از اهداف آرمانی این پژوهش است جز از طریق قدم گذاشتن در عرصه علم روانشناسی قضایی حاصل نمی‌گردد.

با استناد به ماده ۳۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری که قانونگذار اشاره به ویژگی‌های روانی شاهد در ارزیابی اعتبار شهادت کرده است، به نظر می‌رسد لازم و ضروری است تا از

1. David Karson, *Applying Psychology to Criminal Justice*. (uk: Institute of Criminal Justice Studies at the University of Portsmouth, 2007), 20-25.

۲. دادگاه آن دسته از ویژگی‌های ظاهری جسمی و روانی شاهد را که ممکن است در ارزیابی اعتبار شهادت مؤثر باشد در صورت مجلس قید می‌کند.

- بعد روانشناسی این مسئله مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. بنابراین، این پژوهش درصدد آن است تا رویه عملی را از این لحاظ مورد ارزیابی قرار دهد.
- پژوهش حاضر درصدد بررسی و اثبات فرضیه‌های زیر می‌باشد:
- ۱- به نظر می‌رسد با استفاده از یافته‌های روانشناسی می‌توان به شاخص‌های معتبری در خصوص ارزیابی اعتبار شهادت شهود دست یافت؛
 - ۲- به نظر می‌رسد دادرهای شهر تهران در ارزیابی میزان اعتبار شهادت شهود از شاخص و معیار مشخصی پیروی نمی‌کنند؛
 - ۳- به نظر می‌رسد تفاوت معناداری بین قضات زن و مرد در پیروی کردن یا نکردن از معیارها و شاخص‌های روانشناسی در ارزیابی اعتبار شهادت شهود وجود ندارد؛
 - ۴- به نظر می‌رسد بین میزان سطح تحصیلات در پیروی کردن یا نکردن از شاخص‌ها و معیارهای روانشناسی رابطه معناداری وجود ندارد.

۱- طرح مسئله

در تمامی ادوار و همچنین در همه سیستم‌های حقوقی، شهادت شهود به عنوان یک دلیل، برای رسیدن به یک واقعیت طریقت داشته است این در حالی است که افراد ممکن است در شهادتشان خطا کنند.

فساد شهادت می‌تواند پیامدهای وسیعی را به دنبال داشته باشد. از جمله عدم کشف حقیقت، عدم دسترسی به یک نظام دادرسی عادلانه و در نهایت حتی تعداد اندک اشتباهات بازشناسی می‌تواند به محکومیت صدها بی‌گناه در هر سال منجر شود. پژوهش‌های روانشناختی مبین این حقیقت‌اند که تا چه اندازه نارسایی و خلأ در اعتبار شهادت از منظر این علم وجود دارد و پذیرش کورکورانه چنین شهادت‌هایی می‌تواند چه خطراتی را برای یک دادرسی منصفانه به دنبال داشته باشد. با این حال قضاوت نیاز دارد که از شهادت استفاده کند. پس لازم است که مسئله شهادت از دیدی انتقادی بررسی شود و در این بررسی است که نقش مهم روانشناسی برجسته می‌گردد.

در واقع مسئله اساسی و حائز اهمیت در پژوهش حاضر این است که، شهادت شهود به عنوان یک دلیل، چقدر می‌تواند اعتبار داشته باشد و علم روانشناسی چطور می‌تواند این اعتبار را زیر سؤال ببرد و معیارهایی را برای صحت و سلامت شهادت شهود در اختیار قضات قرار دهد.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- تأثیر سن در اعتبار شهادت

در این شاخص سعی خواهد شد تا با استفاده از یافته‌های علم روانشناسی، میزان تأثیر افزایش سن بر اعتبار شهادت و همچنین قابلیت اعتماد به شهادت کودکان مورد ارزیابی قرار گیرد. طبق تحقیقات انجام‌شده، توانایی ضبط محرک‌های حسی میان کودکان و بزرگسالان یکسان است. با وجود این، سرعت پاک شدن اطلاعات ضبط‌شده در حافظه حسی سالمندان بیشتر از حافظه جوانان است.^۳

یکی از آزمون‌های روانشناسی به شرح زیر است:

شرکت‌کنندگان در این آزمون ۴۰ نفر بودند که به پنج گروه سنی ۱۲-۴، ۱۹-۱۳، ۳۵-۲۰ و ۵۳-۳۶ و ۷۰-۵۳ ساله تقسیم شدند. به آزمون‌شوندگان تصویری نشان داده شد که مدت زمان کوتاهی آن را ببینند. پرسشگر، پرسش‌های تلقینی و غیرتلقینی^۴ را مطرح ساخت که نهایتاً نتایج به شرح زیر اعلام شد:

۱- جوان‌ترین گروه (۱۲-۴) ساله حدود ۵۲٪ به سؤالات تلقینی و کمک‌کننده پاسخ دادند و حدود ۳/۴ درصد به سؤالات غیرتلقینی پاسخ دادند؛

۲- گروه سنی (۱۹-۱۳) ساله توانستند به حدود ۵۸٪ سؤالات تلقینی پاسخ دهند و ۵/۷٪ به سؤالات غیرتلقینی پاسخ دادند؛

۳- گروه سنی (۳۵-۲۰) ساله بهترین عملکرد را داشتند. آنها توانستند به حدود ۷۶٪ از سؤالات تلقینی پاسخ دهند و ۷/۹٪ از سؤالات غیرتلقینی را پاسخ دادند؛

۴- گروه سنی (۵۳-۳۶) ساله، ۶۸٪ از سؤالات تلقینی را پاسخ دادند و ۶/۳٪ از سؤالات غیرتلقینی را پاسخ دادند؛

۵- آخرین گروه سنی (۷۰-۵۳) ساله که ضعیف‌ترین عملکرد را داشتند توانستند به ۵۰٪ از سؤالات تلقینی و ۳٪ از سؤالات غیرتلقینی پاسخ دهند.^۵ طبق تحقیقات انجام‌شده،

3. D.w.kline and I.E, Baren "Age Difference in Dichotic Listening," *Experimental Aging Research* 4 (1975): 1-17.

۴. منظور از پرسش‌های تلقینی و هدایت‌کننده، پرسش‌هایی است که پاسخ آنها در خود پرسش نهفته است و به نوعی پرسشگر پاسخ را به پرسش‌شونده تلقین و القاء می‌کند.

5. Chole J Feller, *Does Age Affect Short Term Memory*.(California: State Science Fair, 2007), 36-40.

محققان دریافته‌اند که حافظه بلندمدت سالمندان به تدریج زایل می‌شود.^۶ در واقع در این نوع حافظه، شهود پیر در قسمت نگهداری اطلاعات دچار مشکل هستند. به همین دلیل است که دچار فراموشی می‌شوند.^۷

به طور کلی آزمون‌های روانشناسی در خصوص تأثیر افزایش سن بر حافظه و ادراک نشان می‌دهند که توانایی و دقت انسان بعد از ۵۰ سالگی به نحو محسوسی کاهش پیدا می‌کند. همچنین آزمون‌ها موید این است که با افزایش سن، مهارت‌های ضبط و یادآوری شاهد کاهش می‌یابد.^۸

مسئله اساسی در خصوص شهادت کودکان بررسی قابلیت اعتماد به شهادت آنان است. قبل از اینکه یک کودک در دادگاه بخواهد شهادت دهد، قاضی باید متقاعد شود که کودک صلاحیت شهادت دادن را دارد یا خیر، این امر نیازمند شناخت اساسی از شاهد و صلاحیت روانی و جسمی او است.

به طور کلی تفاوت‌هایی بین حافظه بزرگسالان و کودکان وجود دارد. توانایی حافظه کوتاه‌مدت یک کودک در خصوص ذخیره اطلاعات کمتر از بزرگسالان است. تحقیقات ثابت کرده است که یک کودک ۵ ساله بیشتر از پنج موضوع را در یک دقیقه نمی‌تواند در حافظه کوتاه‌مدتش ذخیره کند مگر اینکه اطلاعات به حافظه بلندمدت برود.^۹

در حالی که گنجایش حافظه کوتاه‌مدت اکثر بزرگسالان برابر با هفت موضوع است. این رقم از نخستین روزهای آغاز روانشناسی آزمایشی تاکنون ثابت مانده است.^{۱۰}

تحقیقات نشان می‌دهند که بزرگسالان در میزان انتقال اطلاعات حسی از حافظه کوتاه‌مدت به حافظه بلندمدت نسبت به خردسالان توانایی بیشتری دارند و این امر نشان‌دهنده این است که یادآوری اطلاعات کودکان ضعیف‌تر از بزرگسالان است.^{۱۱}

تلقین‌پذیری کودکان یکی دیگر از مسائلی است که بررسی آن در خصوص شهادت

6. A.M Brickman and Y. Stern, *Aging and Memory in Humans* (New York. NY.USA: Columbia University, 2009), 175.

7. Andreas Kapardis, *Psychology and Law* (New York: Cambridge University Press, 2003), 25-28.

8. F.I.M Craik, "Age Difference in Recognition Memory," *Quarterly Journal of Experimental Psychology* 13(3) (1971): 23.

9. Kapardis, op.cit.,26.

۱۰. اتکینسون و دیگران، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه محمدتقی برهنی و دیگران (تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۲)، ۵۰۰.

11. G. Goodman and B.Rudy and I.Davis, "Effects of Past Abuse Experiences on Childrens Eyewitness Memory," *Law and human behavior. American Psychological Association* 24 (2001): 1-30.

کودکان حائز اهمیت است.

رویکردهای مختلفی در خصوص تلقین‌پذیری کودکان وجود دارد. یک گروه از محققان بر روی تلقین‌پذیری کودکان تأکید می‌کنند. از جمله استیفن سیسی^{۱۲} از دانشگاه کرنل این رویکرد را با نمونه مشخص می‌کند. استیفن سیسی تلقین‌پذیری کودکان را آزمایش کرد. او در آزمایشات خود به این نتیجه رسید که خیلی از کودکانی که بارها و بارها با سؤالات تلقینی مورد مصاحبه قرار گرفتند، واقعاً اظهارات نادرستی را بیان کردند^{۱۳}.

گروه دوم از محققان رویکرد متفاوتی را اتخاذ کردند، تحقیقات آنها نشان می‌دهد که کودکان اصولاً تلقین‌پذیرند، اما در برخی از موارد نیاز است که از کودکان سؤالات تلقینی پرسیده شود.

گودمن^{۱۴} از دانشگاه کالیفرنیا در گروه دوم برجسته شد. در واقع این گروه از محققان معتقدند به خاطر کمک به کودکانی که مورد سوءاستفاده جنسی واقع شده‌اند، نیاز است که از آنها سؤالات تلقینی پرسیده شود. به عبارتی این کودکان اغلب به دو دلیل مردند که سوءاستفاده‌ای را که از آنان شده است را افشاء کنند: یک دلیل این است که اغلب تهدید به سکوت می‌شوند و دلیل دوم این است که از افشای حقیقت شرم‌منده‌اند. سورنسن^{۱۵} و اسنو^{۱۶} با ۱۱۶ کودکی که مورد سوءاستفاده جنسی واقع شده بودند مصاحبه کردند، آنها دریافتند که نزدیک به ۸۰٪ این کودکان سوءاستفاده را انکار می‌کنند یا در افشای آن تردید دارند^{۱۷}.

هر دو رویکردی که توصیف شد در عدم توافق نیستند. در واقع محققانی همچون سیسی که بر روی تلقین‌پذیری کودکان تأکید می‌کنند، نیاز اساسی به ترقی مهارت‌های مصاحبه با کودکان توسط افسران پلیس، بازپرسان و قضات و اجتناب از سؤالات تلقینی را به ما یادآوری می‌کنند و از طرفی محققانی چون گودمن متذکر می‌شوند که باید در برخورد با کودکان اعتماد به نفس معقولی را به آنها بدهیم و تا حد امکان از پرسیدن سؤالات تلقینی و هدایت‌کننده اجتناب کنیم مگر در بعضی از موارد خاص که شرح آن گذشت.

در پرتو مطالب ذکرشده، توصیه می‌شود که تا حد امکان از پرسیدن سؤالات تلقینی

12. Stephen Ceci

13. John E.A Myers, "Adjudication of Child Sexual Abuse Cases," *Journal Sexual Abuse of Children* 4(2) (1994): 20-30.

14. Gail Goodman

15. Sorensen

16. Snow

17. Myers, op.cit., 1-30.

اجتناب گردد. به عبارتی در وهله نخست سؤالات باید به صورت کلی باشند، مانند «چرا من با شما صحبت می‌کنم؟» و یا اینکه «چرا ما امروز اینجا هستیم؟» مگر ضرورت کمک به خود کودک (قربانیان جرایم جنسی) ایجاب کند که مقام تحقیق‌کننده از سؤالات جزئی‌تر و به عبارتی تلقینی استفاده کند.

۲-۲- تأثیر جنسیت در اعتبار شهادت

تحقیقات نشان می‌دهند که نظریه‌های اولیه در خصوص تفاوت‌های جنسیتی شهود حاکی از این موضوع است که توانایی‌های مردان به طور کلی بیشتر از زنان است. یکی از این نظریه‌پردازان، ویلیام استرن^{۱۸} است که ادعا می‌کرد توانایی‌های شناختی مردان بهتر از زنان است. هرچند، تحقیقات زیادی یافته‌های او را به چالش کشیدند و نشان دادند که به طور کلی، هیچ تفاوتی بین توانایی‌های شهود مرد و زن وجود ندارد^{۱۹}. در آزمونی در سال ۱۹۷۸ کلیفورد^{۲۰} و اسکات^{۲۱} ثابت کردند که زنان و مردان در یادآوری جزئیات یک واقعه غیرخسونت‌آمیز برابرند.

اما مردان در یادآوری جزئیات یک واقعه خسونت‌آمیز بهتر از زنان هستند^{۲۲}. همچنین در آزمونی، فیلمی به آزمون‌شوندگان نشان داده شد که در آن فیلم، مردی به زنی نزدیک شد و از او تقاضای پول کرد، ولی زن امتناع کرد و بعد مرد به زن حمله و کیفش را ربود. نتایج این آزمون نشان داد، که زنان در یادآوری صحنه‌ای که قربانی آن زن هست، دقیق‌تر هستند. در آزمونی دیگر که بر روی دانشجویان دوره لیسانس رشته روانشناسی انجام گردید، یکی از دانشجویان مرد و یک زن در کلاس کنفرانسی ارائه دادند. روز بعد، پرسش‌نامه‌ای در اختیار دانشجویان کلاس قرار داده شد که مربوط به روز قبل می‌شد. نتایج آزمون نشان داد که روی هم رفته، زنان در خصوص سؤالاتی که مربوط به زنان می‌شد، نسبت به مردان قابل اعتمادتر بودند^{۲۳}.

به طور کلی تحقیقات نشان دادند که هیچ تفاوت محسوسی بین توانایی‌های شناختی

18. Stern

19. D. Yarmey, "Differences in Eyewitness Testimony. Personality and Individual Differences," *American Psychological Association* (2010): 559-563.

20. Clifford

21. Scott

22. B.R Clifford and J. Scott, "Individual and Situational Factors in Eyewitness Testimony," *Journal of Applied Psychology* 13 (1978): 52-59.

23. Yarmey, "Differences in Eyewitness Testimony. Personality and Individual Differences," 559-563.

مردان و زنان وجود ندارد.^{۲۴}

۲-۳- تأثیر نژاد در اعتبار شهادت

تحقیقات نشان می‌دهند که عامل نژاد می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر روی اعتبار شهادت باشد. تاکنون آزمون‌های روانشناسی زیادی در این خصوص اجرا شده است. نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهد که در ارزیابی اعتبار شهادت شاهدان، به اختلاف نژاد میان شاهد و مشهودعلیه باید توجه شود.

پروفسور شری جانسن^{۲۵} که از پیشگامان عرصه علم حقوق است، در مقاله‌ای^{۲۶} این مسئله را تجزیه و تحلیل کرد. و به این نتیجه رسید که وقتی نژاد شاهد و مشهودعلیه مختلف است احتمال خطا خیلی بیشتر از وقتی است که نژاد آنها یکسان است. او معتقد بود در این مواقع، شهادتی که با مشهودعلیه دارای اختلاف نژادی است، بر علائم برجسته صورت وی توجه نکرده و طبعاً قادر به تشخیص دقیق وی نخواهد بود. بلکه توجه وی صرفاً به رنگ و نژاد چهره او تکیه دارد. بنابراین ممکن است به راحتی شخص هم‌نژاد دیگری را با وی اشتباهی بگیرد.^{۲۷} همچنین «لوفتوس» در کتابش^{۲۸} متذکر شد که شهادت شاهدان همیشه قابل اعتماد نیست و عوامل زیادی بر روی اعتبار و درستی شهادت تأثیر گذارند. او یکی از این عوامل را اختلاف نژاد میان شاهد و مشهودعلیه دانست. لوفتوس به این نتیجه رسید که در نظر نگرفتن این عامل می‌تواند منجر به محکومیت افراد بی‌گناه زیادی شود.^{۲۹} «یارمی» نیز در کتابش^{۳۰} به قضات توصیه می‌کند که یکی از مسائلی که همگی باید مراقب باشند، نژاد و اختلاف نژاد شاهد با مشهودعلیه است.^{۳۱}

در آزمونی که بر روی دانشجویان سفیدپوست از دانشگاه ایلینیز^{۳۲} و دانشجویان سیاه‌پوست از دانشگاه هاروارد صورت گرفت، در این آزمون، هر دانشجو باید در یک ثانیه ۱۰ سفیدپوست و ۱۰ سیاه‌پوست را می‌دیدند. نتایج آزمون حکایت از آن داشت که دانشجویان در

24. D. Yarmey, *The Psychology of Eyewitness Testimony* (New York: Free Press, 1979), 186.

25. Sheri Johnson. Professor of the University of California Berkeley.

۲۶. خطاهای موجود در پرونده‌های کیفری توسط شناسایی شهود غیرهم‌نژاد

27. H. Gee, Book review. *Eyewitness testimony and cross-racial identification*. (New England: Lawreview, 2000), 836-837.

۲۸. شهادت شاهدان عینی

29. E. Loftus, *Eyewitness testimony*. (Cambridge: Harvard university press, 1997), 880.

۳۰. روانشناسی شهادت شاهدان عینی

31. D. Yarmey, *The Psychology of Eyewitness Testimony* (New York: Free Press, 1979), 100.

32. Illinois

شناسایی چهره هم‌نژاد خود بهتر از غیرهم‌نژاد خود بوده‌اند.^{۳۳} بنابراین عدالت قضایی ایجاب می‌کند که بازپرسان و قضات در ارزیابی‌های قضایی به اختلاف نژاد میان شاهد و مشهودعلیه به عنوان یک اماره منفی در اعتبار شهادت توجه نمایند.

۲-۴- تأثیر شخصیت در اعتبار شهادت

در آزمایش شخصیت، تمام عوامل مؤثر در اعتبار و ارزش شهادت، که در ادای شهادت نقش غیر قابل تردیدی دارند باید در نظر گرفته شوند. در این مورد می‌توان نکات زیر را خاطر نشان کرد: کیفیات حسی، استعدادهای خیال‌پردازانه، تأثیر بعضی عقده‌ها، قدرت تصور، گرایش به پر کردن خلأ ادراکی، استعداد حافظه، گرایش به داستان‌پردازی، تکمیل و تعبیر و تفسیر آنچه مشاهده شده، احتیاط در استدلال، حس انتقاد از خود، تلقین‌پذیری، خواه در اصل قضیه، خواه به دنبال آن، خواه در موقع بازجویی و غیره.^{۳۴}

هال و لیندزی اعتقاد داشتند که شخصیت به بهترین وجه اینگونه تعریف می‌شود: «شخصیت عبارت است از مفاهیم تجربی خاصی که بخشی از نظریه شخصیتی هستند که توسط ناظر به کار برده می‌شوند».^{۳۵}

به طور کلی، ارزیابی شخصیت بازجوشونده، چارچوب لازم را در اختیار بازجو قرار می‌دهد تا استدلال بازجویانه خود را بر مبنای آن شکل دهد و استدلال خود را طوری طراحی کند که اقدامات خاص وی را برای انکار اتهامات و پنهان کردن ماهیت غیر قابل قبول یا مجرمانه کارهای خویش در هم شکند. در واقع بازجو باید خصوصیات فردی هر کسی را که موضوع بازجویی قرار می‌گیرد به رسمیت بشناسد و برای برخورد با او به این نکته توجه داشته باشد که وی چطور از طریق شخصیت و فرایند استدلال خود، به پردازش اطلاعات می‌پردازد. حداکثر موفقیت در این زمینه هنگامی حاصل می‌شود که بازجو، ویژگی‌های هر یک از شخصیت‌های مسلم و اصلی، نحوه استدلال آنها و روش پاسخ‌دهی‌شان به استرس و فشار در هر مصاحبه را بشناسد. در واقع بازپرسان و قضات باید با توجه به شرایط فردی و شخصیتی متهمان و یا شاهدان، آنان را مورد پرسش‌های مناسب قرار دهند و ضمن جلب اعتماد

33. Loftus, op.cit., 880.

۳۴. فرانسوا گورف، *روانشناسی قضایی*، ترجمه محمدحسین سروری (تهران: نوبهار، ۱۳۸۲)، ۱۰۶-۱۰۵.

۳۵. ریچارد آی و دیگران، *ارزیابی شخصیت*، ترجمه سیامک نقشبندی و دیگران (تهران: انتشارات روان، ۱۳۸۲)، ۴۸.

بازجویی‌شوندگان و تقلیل تنش‌های روانی ناشی از احضار و بازجویی، کمک کنند تا آنان به سوی بیان حقایق هدایت شوند.

۲-۵- تأثیر احساس و ادراک در اعتبار شهادت

اطلاعات حسی که به مغز ما جریان می‌یابند، ادراکات، خاطره‌ها، نیات و افعال ما را تغذیه می‌کنند. هرچند ما عموماً فقط به پنج حس سنتی، یعنی بینایی، لامسه، شنوایی، چشایی و بویایی، اشاره می‌کنیم، اما در واقع حواس بسیار بیشتری وجود دارد. از جمله: حس سرما و گرما، گرانش، شتاب، درد و مانند آنها^{۳۶}.

ممکن است که شهود در دستگاه حواس و ادراک خود دچار نقایصی باشند که می‌تواند بر روی صحت و سلامت شهادتشان تأثیرگذار باشد.

بدین ترتیب مختصراً به شرح مواردی از نقایص حواس و ادراک می‌پردازیم:

کوری ادراکی - مثال چشمگیری از این امر است که مغز در تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدامیک از اطلاعات حسی که در دسترس آن قرار دارند به طرز آگاهانه ادراک شوند، به شدت گزینشی عمل می‌کند^{۳۷}.

نقطه کور - قسمتی از شبکه چشم است که عصب بینایی و همچنین مویرگ‌های خونی از آن خارج می‌شود و به سمت لوب پس سری مغز هدایت می‌شود. این نقطه فاقد سلول گیرنده نور است و به همین دلیل بینایی ندارد^{۳۸}. بنابراین در صورتی که شهادت شاهی در مورد واقعه‌ای در نقطه کوری بوده باشد، این شهادت مورد پذیرش نیست.

کوررنگی - کوررنگی یک بیماری اختلال ارثی است که در آن فرد قادر به تشخیص یک یا برخی رنگ‌ها نمی‌باشد. سلول‌های مخروطی چشم افراد کوررنگ فاقد رنگ‌دانه‌هایی هستند که موجب دیدن رنگ‌ها می‌شوند. به همین دلیل این افراد برخی رنگ‌ها را به شکل طیفی از رنگ‌های خاکستری و سیاه می‌بینند. کوررنگی انواع مختلفی دارد که شایع‌ترین آنها، عدم توانایی در تشخیص رنگ سبز و قرمز از یکدیگر است. داشتن مشکل در تشخیص اینکه جسمی قرمز است یا سبز، یا آبی است یا زرد، اصلی‌ترین علامت کوررنگی است. شاهدان در دادگاه نیز ممکن است به دلیل نقص دستگاه ادراکی و یا احساسی قادر به دیدن تمام یا برخی

۳۶. مایکل اوشی، مغز، ترجمه ابوالفضل حقیری (تهران: بصیرت، ۱۳۹۰)، ۱۲۰.

۳۷. همان، ۱۲۰.

۳۸. همان، ۲۲.

از رنگ‌ها نباشند.^{۳۹}

در صورتی که شاهد دچار کوررنگی باشد و بخواهد در مورد واقعه‌ای شهادت دهد که تشخیص رنگ در آن مؤثر است، یقیناً چنین شهادتی فاقد ارزش و اعتبار است. انطباق با نور - نمونه مشخصی از انطباق با نور وقتی روی می‌دهد که از خیابانی بسیار روشن به سالن تاریک سینما وارد شویم. در ابتدا در نور کمی که از پرده بازمی‌تابد به سختی می‌شود چیزی را دید، اما ظرف چند دقیقه آنقدر می‌بینیم که بتوانیم صندلی خالی پیدا کنیم و نهایتاً چهره افراد را در تاریکی تشخیص دهیم. وقتی دوباره وارد خیابانی شویم، نخست تقریباً همه چیز در حد آزاردهنده‌ای، پرنور به نظر می‌آید و تمیز نورهای درخشان از یکدیگر ناممکن است. ولی در کمتر از یک دقیقه همه چیز طبیعی به نظر می‌آید. زیرا با نور شدید به سرعت انطباق می‌یابیم.^{۴۰}

ادراک حرکت و سرعت - برخی مواقع وقتی شیء بزرگ‌تر شیء کوچک‌تر را فراگرفته باشد، چنین به نظر می‌رسد که شیء بزرگ‌تر است که حرکت می‌کند نه شیء کوچک‌تر. همچنین احساس حرکت را برخی مواقع که سوار بر اتومبیل پشت چراغ قرمز به طور مستقیم تجربه می‌کنیم اگر کنار اتوبوس بزرگی ایستاده باشیم و آن حرکت کند. احساس می‌کنیم ماشین در حرکت است. این توهم خلاف واقعیت ادراکی را حرکت القائی می‌نامند.^{۴۱} بنابراین لازم است که بازپرسان و قضات از صحت و سلامت حواس پنج‌گانه شهود به هنگام تحمل و ادای شهادت اطمینان پیدا کنند.

۲-۶- تأثیر هیجان در اعتبار شهادت

اساسی‌ترین احساساتی که آدمی تجربه می‌کند هم شامل انگیزه‌هایی مانند گرسنگی و هم شامل هیجان‌هایی مانند شادی، ترس، خشم، نفرت، عشق، استرس و غیره است، که ممکن است در صحنه دادگاه برای شاهد هم روی دهند.^{۴۲}

بی‌تردید در بررسی تأثیر هیجان باید درجات متفاوت آن در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد که عوامل هیجان‌انگیز ضعیف، رغبت و توجه را برمی‌انگیزند در حالی که هیجان‌های

۳۹. همان، ۲۵۰.

۴۰. اتکینسون و دیگران، پیشین، ۲۴۵-۲۴۴.

۴۱. همان، ۱۸۸.

۴۲. همان، ۷۰۹.

شدید، ادراک را دچار اختلال می‌کنند. پس مسئله اصلی تعیین حد هیجان گواه است. تأثیری انواع هیجان‌ها مانند ترس، خشم، تعجب و جز آن نیز باید از یکدیگر متمایز شوند. همچنین باید در نظر گرفت که احساس ما درباره حادثه‌ای که برای خودمان اتفاق می‌افتد با آنچه برای دیگری روی می‌دهد، یکسان نیست. اثر یک هیجان ناگهانی، بی‌تردید شدیدتر اما محدودتر و ناپایدارتر از اثر یک هیجان احساسی تدریجی است.^{۴۳}

هیجان نشان می‌دهد که در یک حادثه رانندگی، شاهدان عینی، برحسب اینکه همراه هر یک از رانندگان تصادفی یا کنار جاده بوده باشند، عقیده و تصمیم قبلی خود را ابراز می‌کنند. از حسن نیت آنچه به نفع یکی و به ضرر دیگری بود مشاهده کرده‌اند، در سرعت شوک ادراک جزئی و ناقصی داشتند که سعی کردند آن را تکمیل کنند و تحت تأثیر اشتباهات و خطای حواس مختصر قرار گرفته بودند که نمی‌تواند بی‌اهمیت باشد و قاضی باید آن را در نظر بگیرد و به آن توجه کند.^{۴۴}

یکی از مسائلی که در بحث هیجان باید به آن توجه کرد، مسئله تأثیر تمرکز شاهد بر اسلحه و حوادث خشونت‌بار است. در واقع روانشناسان قضایی، تحقیقات فراوانی در خصوص مسئله استرس شاهد و تمرکز بر اسلحه انجام داده‌اند.

در یکی از اولین تحقیقات مربوط به تأثیر تمرکز بر سلاح که توسط جانسن و اسکات در سال ۱۹۷۹ انجام گرفت. دو فیلم به آزمون‌شوندگان نشان داده شد، که در یک فیلم، مردی با خودکار جوهری و در فیلم دیگر با یک چاقوی خونی وارد صحنه شد. نتایج نشان داد که خشونت‌بار بودن موقعیت، اثر قابل توجه‌ای در شناسایی مشهودعلیه دارد.^{۴۵}

در آزمونی دیگر که توسط لوفتوس^{۴۶} و مسو^{۴۷} در سال ۱۹۸۷ انجام گرفت، به آزمون‌شوندگان دو فیلم نشان داده شد که در هر دو فیلم مردی وارد رستوران می‌شود و چیزی به صندوقدار نشان می‌دهد و پول می‌گیرد. در فیلم گروه کنترل، مرد یک چک به صندوقدار نشان می‌دهد و در گروه آزمایش، یک اسلحه. نتایج آزمون نشان داد که عملکرد گروه کنترل در یادآوری صحنه و جزئیات بهتر بود در حالی که گروه آزمایش، عملکرد ضعیفی

۴۳. پریخ دادستان، روانشناسی جنایی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷)، ۲۵۷-۲۵۶.

۴۴. گورف، پیشین، ۷۱-۷۲.

45. C. Johnson and B. Scott, "Eyewitness Testimony and Suspect Identification," Journal of American Psychologist (1979): 69.

46. Loftus

47. Messo

در این رابطه داشتند^{۴۸}. در آزمونی که توسط ولز و همکاران انجام شد، آزمون‌شوندگان به دو گروه تقسیم شدند و به هر دو گروه دو فیلم نشان داده شد. بازیگران در هر دو فیلم یکی بودند، ولی یکی از فیلم‌ها حاوی صحنه‌های خشونت‌بار و دیگری فاقد آن بود. نتایج نشان داد که میزان یادآوری در آزمون‌شوندگانی که فیلم خشونت‌بار را دیدند، ضعیف‌تر از گروهی بود که آن فیلم را ندیده بودند^{۴۹}. در آزمایش هیجانی دیگر، یکی از دانشجویان به ظاهر دچار برق‌گرفتگی شد. بررسی اظهارات گواهان ۱۰ دقیقه پس از حادثه و ۱۵ روز بعد از آن، نشان داد که در اینجا نیز، توجه ناگهانی شهود نسبت به رویداد اصلی موجب شده تا جزئیات از نظر دور بمانند^{۵۰}. بنابراین با توجه به آزمون‌های فوق، به بازپرسان و قضات توصیه می‌شود، به هنگام ارزیابی قضایی شهادت به حالت‌های هیجانی شاهد در حین رؤیت و استماع و ادای شهادت توجه نمایند.

۲-۷- تأثیر حافظه در اعتبار شهادت

در سراسر جهان، در امور کیفری و مدنی، شاهدان توسط پلیس، قضات، وکلا و سایرین در داخل و خارج از دادگاه برای یادآوری جزئیات وقایع، توصیف چهره و غیره با این فرض که حافظه انسان مانند یک ویدئو ضبط عمل می‌کند، مورد بازخواست قرار می‌گیرند. در حالی که خلاف این فرض ثابت شده است که حافظه بشر مانند یک ویدئو ضبط عمل نمی‌کند. بنابراین یک نیاز مسلم و قطعی وجود دارد که مصاحبه با قربانیان و شهود جرایم توسط پلیس و سایر بازجوکنندگان، باید همراه با یک دانش عمیق از حافظه انسان و چگونگی عملکرد آن باشد^{۵۱}.

با در نظر گرفتن ساختار و عملکرد حافظه انسان، نباید اختلالات حافظه مانند: فراموشی، ازدیاد غیرعادی خاطرات و افکار گذشته و غیره را فراموش کنیم. در واقع عوامل زیادی بر روی درستی و صحت حافظه شهود در طی مراحل رمزگذاری و یادآوری تأثیر می‌گذارند. محققان ثابت کردند که حافظه شهود جایز الخطا است و این امر می‌تواند منجر به

48. E. Loftus and G.R Loftus and J.Messo, "Some Facts about Weapen Focus," Law and Human Behavior (1987): 55-56.

49. G.L.Wells and M.R Lipp and T.Ostroom, "Guideines for Empirically Assessing the Fairness of Lineup," Law and Human Behavior, American Psychological Association (1979): 2.

۵۰. دادستان، پیشین، ۲۵۶.

51. kapardis, op.cit.,24.

محکومیت افراد بی‌گناه زیادی شود^{۵۲}. فواصل زمانی، احتمال بروز اشتباهات شهود در تشخیص هویت متهمان را افزایش می‌دهد. بنابراین اگر فاصله بین وقوع جرم و ادای شهادت زیاد باشد، اختلاف نظر شهود به مراتب بیش از فاصله‌های زمانی کوتاه‌مدت است. از این رو قضات باید بین دو شهادت که با فاصله زمانی انجام شده‌اند، اولی را ترجیح دهند. آزمون‌های روانشناسی ثابت کردند که مدت زمان ادراک رویداد بر حافظه مؤثر است. در یکی از این آزمون‌ها، کلیفورد و ریچاردز، در نمونه‌ای از افراد پلیس، به این نتیجه رسیدند که یادآوری موقعیت مورد نظر پس از مشاهده رویداد به مدت ۳۰ ثانیه به مراتب بهتر از مشاهده آن به مدت ۱۵ ثانیه بوده است^{۵۳}. بنابراین عدالت قضایی ایجاب می‌کند که برای بازپرسان و قضات دوره‌های آموزشی در این خصوص گذاشته شود که تحت نظر متخصصان مهارت‌های لازم را فراگیرند. تا در نهایت در پرتو یافته‌های علم روانشناسی به ارزیابی اعتبار شهادت شهود پردازند.

۳- روش

۳-۱- روش و ابزار تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ روش در زمره مطالعات پیمایشی - تحلیلی است. زیرا علاوه بر توصیف واقعیت‌های موجود، به بررسی روابط میان متغیرها برحسب پیش‌بینی (آزمون فرضیات) می‌پردازد و به دنبال تعیین میزان تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر است. نحوه جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد که با توجه به هر یک از روش‌های فوق ابزار بررسی و نرم‌افزارهای تجزیه و تحلیل داده‌ها متفاوت است. در روش مطالعات کتابخانه‌ای، از ابزار فیش‌برداری استفاده شد و همچنین ابزار مطالعاتی روش میدانی پرسش‌نامه محقق ساخته شده که بر اساس شاخص‌ها و معیارهای روانشناسی طراحی گردیده است. این پرسش‌نامه دارای ۱۴ سؤال است که میزان تأثیرگذاری قضات از شاخص‌های روانشناسی را اندازه‌گیری می‌کند. که با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت سنجیده شده است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به شرح زیر است:

۵۲. اتکینسون و دیگران، پیشین، ۵۰۲.

۵۳. دادستان، پیشین، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۵۱.

تعداد سؤالات	مقدار ضریب آلفای کرونباخ
۱۴	۰/۷۹۵

مطابق جدول فوق، در این پرسش‌نامه مقدار آلفای کرونباخ پرسش‌نامه بالاتر از ۰.۷ است که نشانه پایایی بالای پرسش‌نامه می‌باشد یا به عبارتی دیگر پایایی پرسش‌نامه تأیید می‌شود. روایی محتوای پرسش‌نامه نیز به تأیید اساتید صاحب‌نظر و خبره رسید.

۳-۲- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و استنباطی و از آزمون‌های پارامتری شامل تی - استیودنت تک‌نمونه‌ای، تی - استیودنت دو نمونه مستقل و آنالیز واریانس و یا از آزمون‌های ناپارامتری شامل ویلکاکسون، من - ویتنیو کروسکال - والیس در سطح اطمینان ۹۵٪ (سطح خطای ۵٪) استفاده شد. از آزمون‌های پارامتری یا ناپارامتری با توجه به حجم نمونه و آزمون نرمال بودن کلموگروف اسمیرنوف استفاده گردید. این کار با بهره‌گیری از نرم‌افزار spss انجام شده است.

۳-۳- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه قضات دادسراهای شهر تهران و نمونه آماری ۳۰ نفر از قضات هستند که به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و شامل این حوزه‌های قضایی می‌باشند:

۱- دادسرای جنایی منطقه ۲۷ تهران؛

۲- دادسرای عمومی و انقلاب تهران منطقه ۶ خارک؛

۳- دادسرای عمومی و انقلاب منطقه ۳ تهران.

۳-۴- روش نمونه‌گیری و تعیین اندازه نمونه

در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با تخصیص متناسب استفاده شده است. یکی از معتبرترین روش‌ها جهت تعیین نمونه از بین جامعه آماری، استفاده از فرمول کوکران می‌باشد. تعیین اندازه نمونه در جوامعی که حجم آن مشخص نمی‌باشد بر طبق واریانس نمونه اولیه تعیین می‌شود.^{۵۴} در این پژوهش جهت برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران

۵۴. عمیدی، علی، نظریه نمونه‌گیری و کاربردهای آن (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷)، ج ۱، ۹۰.

استفاده شده است.

با توجه به اینکه حجم جامعه (تعداد کل قضات) در این تحقیق نامشخص است، حجم نمونه به کمک رابطه زیر تعیین شده است.

$$n = \frac{z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 \frac{\sigma^2}{d^2}}{}$$

S: انحراف معیار شاخص کل پرسش‌نامه

n: تعداد نمونه

α : سطح معنی‌داری که معمولاً برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته می‌شود و در این صورت:

$$z_{1-\frac{\alpha}{2}} = 1.96$$

d: کران خطا

با توجه به حجم جامعه (قضات دادسراهای شهر تهران) نامشخص در این تحقیق، نمونه از واریانس ۳۰ پرسش‌نامه توزیع شده تعیین می‌شود (رابطه ۳-۱).

$$n_0 = \frac{z_{\alpha}^2 \sigma^2}{d^2} = \frac{1.96^2 \times 0.431^2}{0.16^2} \cong 30$$

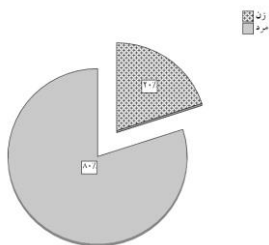
n: تعداد نمونه $\frac{z_{\alpha}^2}{2}$: سطح اطمینان d: خطای اندازه‌گیری S: انحراف معیار نمونه اولیه

در نتیجه تعداد ۳۰ نمونه با توجه به انحراف معیار به دست آمده از نمونه (۰/۴۳۱) و کران خطای ۱۶ درصد ($d=0/16$) با اطمینان ۹۵ درصد کفایت می‌کند.

۴- یافته‌ها

جدول ۴-۱- توزیع فراوانی متغیر جنسیت

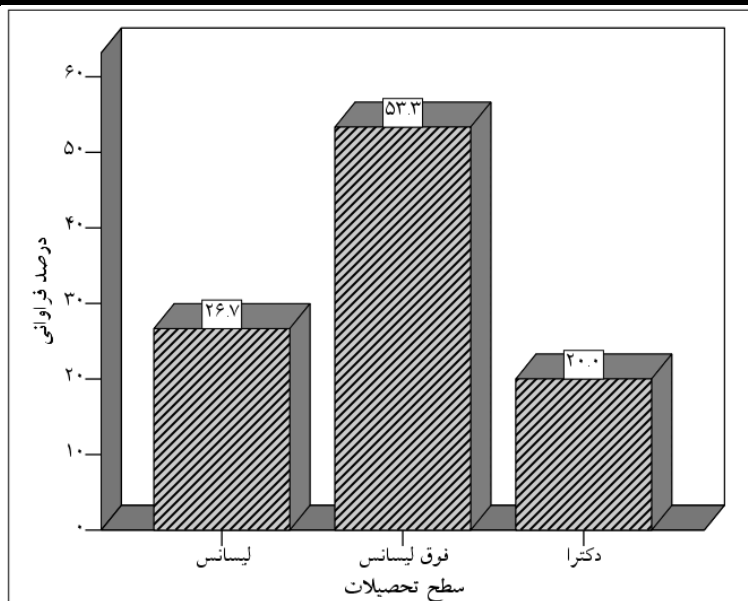
جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
زن	۶	۲۰/۰	۲۰/۰
مرد	۲۴	۸۰/۰	۱۰۰/۰
مجموع	۳۰	۰.۱۰۰	



همان طور که مشاهده می‌کنیم جدول و نمودار فوق نشان می‌دهد که ۸۰ درصد از قضاتی که نظراتشان مورد بررسی قرار گرفته است، مرد هستند و ۲۰ درصد زن می‌باشند.

جدول ۴-۲- توزیع فراوانی متغیر سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
لیسانس	۸	۲۶٫۷	۲۶٫۷
فوق لیسانس	۱۶	۵۳٫۳	۸۰٫۰
دکترا	۶	۲۰٫۰	۱۰۰٫۰
مجموع	۳۰	۱۰۰٫۰	



اطلاعات به دست آمده از جدول و نمودار فوق نشان می‌دهد که ۵۳/۳ درصد از افراد نمونه مورد بررسی دارای سطح تحصیلات فوق لیسانس و ۲۰ درصد دارای تحصیلات دکترا هستند. همچنین با توجه به ستون درصد تجمعی می‌توان دریافت که ۷۳/۳ درصد از افراد نمونه حداقل دارای سطح تحصیلات فوق لیسانس می‌باشند.

۴-۳- آزمون فرضیات

۴-۳-۱- به نظر می‌رسد دادسراهای شهر تهران در ارزیابی اعتبار شهادت شهود از شاخص و معیار مشخصی پیروی نمی‌کنند. ابتدا آزمون نرمال بودن شاخص‌های پرسش‌نامه را که از بیش از یک سؤال تشکیل شده‌اند را توسط آزمون کلموگروف - اسمیرنوف^{۵۵} بررسی می‌کنیم.

جدول ۴-۳-۱- آزمون نرمال بودن کلموگروف - اسمیرنوف

شاخص	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
احساس و ادراک	۰/۱۵۳	۳۰	۰/۰۷۱
هیجان	۰/۱۷۷	۳۰	۰/۰۱۷
حافظه	۰/۱۵۷	۳۰	۰/۰۵۶
شاخص کل پرسش‌نامه	۰/۱۱۷	۳۰	۰/۲۰۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که توزیع شاخص‌های احساس و ادراک، حافظه و شاخص کل پرسش‌نامه نرمال است و در نتیجه برای پاسخ به این فرضیه و بررسی تأثیرگذاری این شاخص‌ها بایستی از آزمون پارامتری تی - استیودنت تک‌نمونه‌ای استفاده کنیم. فرضیات مربوط به این آزمون را از نظر آماری می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

که در آزمون‌های پارامتری تی - استیودنت μ مقدار میانگین شاخص برای جامعه و در آزمون‌های ناپارامتری ویلکاکسون μ برابر مقدار میانه شاخص است. ابتدا نتایج آزمون تی - استیودنت تک‌نمونه‌ای و سپس نتایج آزمون ناپارامتری ویلکاکسون گزارش شده است.

جدول ۴-۳-۱- آزمون تی - استیودنت تک نمونه‌ای با عدد ثابت سه

شاخص	میانگین	انحراف معیار	آماره تی	درجه آزادی	سطح معنی داری یک طرفه
ادراک	۴/۱۳۳۳	۰/۶۵۸۵۷	۹/۴۲۶	۲۹	۰/۰۰۰
حافظه	۳/۹۰۰۰	۰/۸۰۳۰۱	۶/۱۳۹	۲۹	۰/۰۰۰
شاخص کل پرسش‌نامه	۳/۵۱۷۴	۰/۴۳۱۱۶	۶/۵۷۲	۲۹	۰/۰۰۰

با توجه به آماره آزمون و مقدار سطح معنی داری (P-value) می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر برای شاخص‌های احساس و ادراک و حافظه در سطح معنی داری ۵ درصد رد می‌شود و به عبارت دیگر قضات ادعا کرده‌اند که با اطمینان ۹۵ درصد در ارزیابی اعتبار شهادت شهود این دو شاخص روانشناسی در نظر گرفته می‌شود. شاخص کل سؤالات پرسش‌نامه نیز معنی دار شده است، یعنی به طور کلی شاخص‌های روانشناسی پرسیده شده در ارزیابی اعتبار شهادت شهود در نظر گرفته می‌شوند. سطح معنی داری شاخص هیجان بیشتر از ۰/۰۵ شده است و در نتیجه دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد. در واقع دادسراهای شهر تهران در ارزیابی میزان اعتبار شهادت شهود از شاخص هیجان پیروی نمی‌کنند و فرضیه تحقیق برای این شاخص قابل قبول است.

جدول ۴-۳-۱- آزمون ناپارامتری ویلکاکسون

شاخص	میانگین	میانگین رتبه		آماره آزمون	سطح معنی داری یک طرفه
		مثبت	منفی		
شخصیت	۱/۱۷	۰/۰۰	۶	-۳/۰۱۷	۰/۹۹۹
جنسیت	۲/۳۳	۷/۵۰	۷/۶۸	-۲/۰۷	۰/۹۹۳
نژاد	۱/۶۰	۵/۵۰	۱۱/۷۹	-۴/۰۵۱	۰/۹۹۹
سن	۳/۸۷	۱۲/۶۸	۷/۵	-۳/۶۳۶	<۰/۰۰۱
انگیزه و منفعت	۴/۴۷	۱۳/۵۰	۰	-۴/۶۶	<۰/۰۰۱
سؤالات تلفیقی	۳/۸۰	۱۱/۷۵	۶/۵	-۳/۴۴۴	<۰/۰۰۱
هیجان	۲/۹۷	۱۳/۵۴	۱۵/۳۳	-۰/۶۲۹	۰/۷۳۴

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم مقدار سطح معنی داری (P-value) شاخص‌های شخصیت، جنسیت، نژاد و هیجان بیشتر از ۰/۰۵ شده است و دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد.

البته در مورد شاخص جنسیت، بر اساس یافته‌های روانشناسی ثابت شد که تفاوت محسوسی بین توانایی‌های شناختی زن و مرد وجود ندارد. بنابراین مقدار سطح معنی‌داری این شاخص که بیشتر از ۰/۰۵ است نشان‌دهنده این است که فرضیه در خصوص جنسیت رد می‌شود. به عبارتی قضاات ادعا کرده‌اند که صرف‌نظر از جنسیت شهود، به ارزیابی مفاد اظهارات شهود می‌پردازند. اما در مورد سایر شاخص‌های روانشناسی؛ شخصیت، نژاد و هیجان، داده‌ها نشان می‌دهند که قضاات در ارزیابی میزان اعتبار شهادت شهود از این شاخص‌ها پیروی نمی‌کنند و در نتیجه فرضیه دوم تحقیق برای این شاخص‌ها قابل قبول است.

۴-۳-۲- به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری بین قضاات زن و مرد در پیروی کردن یا نکردن از معیارها و شاخص‌های روانشناسی در ارزیابی اعتبار شهادت شهود وجود ندارد.

فرضیات را به زبان آماری می‌توان به شکل زیر نوشت:

$$\begin{cases} H_0 : \mu_1 = \mu_2 \\ H_1 : \mu_1 \neq \mu_2 \end{cases}$$

که در μ_1 مربوط به نظرات زنان و μ_2 مربوط به نظرات مردان است. برای پاسخ به این فرضیه از نظر شاخص‌های تک‌سؤالی بایستی از آزمون ناپارامتری من - ویتنی استفاده کرد. جهت بررسی شاخص‌هایی که از چند سؤال تشکیل شده‌اند، ابتدا باید آزمون نرمال بودن کلموگروف - اسمیرنوف را برای هر دو جامعه زنان و مردان به کار برد. در صورتی که توزیع شاخص در هر دو جامعه نرمال بود جهت پاسخ به فرضیه می‌توان از آزمون پارامتری تی - استیودنت دو نمونه مستقل استفاده کرد و در غیر این صورت بایستی از آزمون ناپارامتری من - ویتنی به فرضیه پاسخ داد.

ابتدا نتایج آزمون نرمال بودن کلموگروف - اسمیرنوف را برای شاخص‌های چند سؤالی گزارش می‌کنیم:

جدول ۴-۳-۲- آزمون نرمال بودن کلموگروف - اسمیرنوف به تفکیک جنسیت قضات

شاخص	جنسیت	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری
احساس و ادراک	زن	۰/۲۱۴	۶	۰/۲۰۰
	مرد	۰/۱۷۴	۲۴	۰/۰۵۸
هیجان	زن	۰/۳۳۸	۶	۰/۰۳۱
	مرد	۰/۱۹۲	۲۴	۰/۰۲۳
حافظه	زن	۰/۲۵۴	۶	۰/۲۰۰
	مرد	۰/۱۹۸	۲۴	۰/۰۱۶
شاخص کل پرسش نامه	زن	۰/۲۸۹	۶	۰/۱۲۷
	مرد	۰/۱۰۴	۲۴	۰/۲۰۰

توزیع شاخص احساس و ادراک و شاخص کل پرسش نامه در هر دو جنسیت زنان و مردان نرمال است. در نتیجه فرضیه بیان شده برای این دو شاخص را به کمک آزمون تی - استیودنت دو نمونه مستقل پاسخ داده و سایر شاخص را به کمک آزمون من - ویتنی بررسی می کنیم.

جدول ۴-۳-۲- نتایج آزمون تی - استیودنت دو نمونه مستقل

شاخص	جنسیت		آماره تی	سطح معنی داری دوطرفه
	مرد	زن		
احساس و ادراک	۴/۱۰	۴/۲۸	۰/۵۹۴	۰/۵۵۷
شاخص کل پرسش نامه	۳/۴۹	۳/۶۳	۱/۱۳۹	۰/۲۶۷

میانگین شاخص ها به تفکیک جنسیت نشان می دهد که قضات زن و مرد معتقد هستند که این شاخص ها در ارزیابی اعتبار شهادت شهود در نظر گرفته می شود (میانگین ها بیشتر از عدد ۳ هستند). همچنین مشاهده می کنیم که سطح معنی داری آزمون تی - استیودنت برای هر دو شاخص مورد بررسی بیشتر از ۰/۰۵ شده است و دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد. به عبارت دیگر تفاوت معنی داری بین نظرات قضات زن و مرد در پیروی کردن از شاخص ادراک و شاخص کل پرسش نامه در ارزیابی اعتبار شهادت شهود وجود ندارد. حال نتایج آزمون من - ویتنی را گزارش می کنیم:

جدول ۴-۳-۲- نتایج آزمون من - ویتنی

شاخص	جنسیت	میانگین	میانگین رتبه	آماره من - ویتنی	سطح معنی داری
شخصیت	زن	۱/۳۳	۱۸/۰۰	۵۷/۰۰	۰/۴۶۲
	مرد	۱/۱۳	۱۴/۸۸		
جنسیت	زن	۲/۱۷	۱۴/۲۵	۶۴/۵۰	۰/۷۰۵
	مرد	۲/۳۸	۱۵/۸۱		
نژاد	زن	۱/۶۷	۱۷/۶۷	۵۹/۰۰	۰/۵۲۷
	مرد	۱/۵۸	۱۴/۹۶		
سن	زن	۴/۰۰	۱۶/۳۳	۶۷/۰۰	۰/۸۲۰
	مرد	۳/۸۳	۱۵/۲۹		
انگیزه و منفعت	زن	۴/۶۷	۱۷/۱۷	۶۲/۰۰	۰/۶۳۱
	مرد	۴/۴۲	۱۵/۰۸		
سوالات تلقینی	زن	۴/۳۳	۲۰/۰۰	۴۵/۰۰	۰/۱۷۴
	مرد	۳/۶۷	۱۴/۳۸		
هیجان	زن	۳/۱۱۱	۱۸/۴۲	۵۴/۵۰	۰/۳۵۴
	مرد	۲/۹۳۸	۱۴/۷۷		
حافظه	زن	۴/۰۸۳۳	۱۷/۶۷	۵۹/۰۰	۰/۵۲۷
	مرد	۳/۸۵۴۲	۱۴/۹۶		

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم سطح معنی‌داری تمامی شاخص‌ها بیشتر از ۰/۰۵ شده است و دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد. به عبارت دیگر بین نظرات قضات زن و مرد در استفاده کردن یا نکردن از شاخص‌های جدول فوق تفاوت معنی‌داری در سطح خطای ۵ درصد وجود ندارد و قضات زن و مرد هم‌عقیده هستند.

۴-۳-۳- به نظر می‌رسد بین میزان سطح تحصیلات در پیروی کردن یا نکردن از شاخص‌ها و معیارهای روانشناسی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. فرضیات را به زبان آماری می‌توان به شکل زیر نوشت:

$$\begin{cases} H_0 : \mu_1 = \mu_2 = \mu_3 \\ H_1 : \square H_0 \end{cases}$$

که در μ_1 مربوط به نظرات قضات با تحصیلات لیسانس، μ_2 مربوط به نظرات قضات با

تحصیلات فوق لیسانس و M_3 مربوط به نظرات قضات با تحصیلات دکترا است. برای پاسخ به این فرضیه از نظر شاخص‌های تک سؤالی بایستی از آزمون ناپارامتری کروسکال - والیس استفاده کرد. جهت بررسی شاخص‌هایی که از چند سؤال تشکیل شده‌اند، ابتدا باید آزمون نرمال بودن کلموگروف - اسمیرنوف را برای هر سه جامعه (قضات با سطح تحصیلات متفاوت) به کار برد. در صورتی که توزیع شاخص در هر سه جامعه نرمال بود جهت پاسخ به فرضیه می‌توان از آزمون پارامتری آنالیز واریانس (ANOVA) استفاده کرد و در غیر این صورت بایستی از آزمون ناپارامتری کروسکال - والیس به فرضیه پاسخ داد. ابتدا نتایج آزمون نرمال بودن کلموگروف اسمیرنوف را برای شاخص‌های چند سؤالی گزارش می‌کنیم:

جدول ۴-۳-۳- آزمون نرمال بودن کلموگروف - اسمیرنوف به تفکیک سطح تحصیلات قضات

شاخص	سطح تحصیلات	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
احساس و ادراک	لیسانس	۰/۱۶۷	۸	۰/۲۰۰
	فوق لیسانس	۰/۱۴۰	۱۶	۰/۲۰۰
	دکترا	۰/۳۲۵	۶	۰/۰۴۷
هیجان	لیسانس	۰/۱۸۶	۸	۰/۲۰۰
	فوق لیسانس	۰/۲۶۳	۱۶	۰/۰۰۴
	دکترا	۰/۱۸۹	۶	۰/۲۰۰
حافظه	لیسانس	۰/۱۹۲	۸	۰/۲۰۰
	فوق لیسانس	۰/۱۴۶	۱۶	۰/۲۰۰
	دکترا	۰/۳۷۶	۶	۰/۰۰۸
شاخص کل پرسش‌نامه	لیسانس	۰/۲۶۵	۸	۰/۱۰۲
	فوق لیسانس	۰/۱۷۰	۱۶	۰/۲۰۰
	دکترا	۰/۲۶۴	۶	۰/۲۰۰

توزیع شاخص کل پرسش‌نامه در هر سه سطح تحصیلات نرمال است. در نتیجه فرضیه بیان شده برای این شاخص را به کمک آزمون آنالیز واریانس پاسخ داده و سایر شاخص را به کمک آزمون کروسکال - والیس بررسی می‌کنیم.

جدول ۴-۳-۳- نتایج آنالیز واریانس سه نمونه مستقل

سطح معنی‌داری دوطرفه	آماره فیشر	تحصیلات			شاخص
		دکتر	فوق لیسانس	لیسانس	
۰/۰۱۳	۵/۰۹۲	۳/۸۶۳	۳/۵۴۱	۳/۲۱۱	شاخص کل پرسش‌نامه

میانگین شاخص کل پرسش‌نامه به تفکیک سطح تحصیلات نشان می‌دهد که قضات دکتر بیشتر از فوق لیسانس و فوق لیسانس بیشتر از لیسانس معتقد هستند که این شاخص‌ها در ارزیابی اعتبار شهادت شهود در نظر گرفته می‌شود (میانگین‌ها بیشتر از عدد ۳ هستند). همچنین مشاهده می‌کنیم که سطح معنی‌داری آزمون آنالیز واریانس شاخص مورد بررسی کمتر از ۰/۰۵ شده است و دلیلی برای رد فرض صفر وجود دارد. به عبارت دیگر اختلاف عقیده بین قضات با سطوح تحصیلات متفاوت معنی‌دار است. حال نتایج آزمون کروسکال - والیس را گزارش می‌کنیم:

جدول ۴-۳-۳- نتایج آزمون کروسکال - والیس

سطح معنی‌داری	آماره آزمون	میانگین رتبه	میانگین	سطح تحصیلات	شاخص
۰/۲۵۲	۲/۷۵۵	۱۳/۰۰	۱/۰۰	لیسانس	شخصیت
		۱۵/۸۱	۱/۱۹	فوق لیسانس	
		۱۸/۰۰	۱/۳۳	دکتر	
۰/۶۱۴	۰/۹۷۶	۱۳/۰۰	۳/۳۸	لیسانس	جنسیت
		۱۶/۴۴	۳/۸۱	فوق لیسانس	
		۱۶/۳۳	۳/۶۷	دکتر	
۰/۱۴۴	۳/۸۶۹	۱۳/۷۵	۱/۵۰	لیسانس	نژاد
		۱۸/۰۰	۱/۸۱	فوق لیسانس	
		۱۱/۱۷	۱/۱۷	دکتر	
۰/۴۹۰	۱/۴۲۷	۱۳/۲۵	۳/۶۳	لیسانس	سن
		۱۵/۴۴	۳/۸۸	فوق لیسانس	
		۱۸/۶۷	۴/۱۷	دکتر	
۰/۰۳۰	۷/۰۱۷	۹۰/۵۰	۳/۸۸	لیسانس	انگیزه و منفعت
		۱۷/۰۶	۴/۶۳	فوق لیسانس	
		۱۹/۳۳	۴/۸۳	دکتر	

-./۰۷۸	۵/۰۹۱	۹/۸۸	۳/۱۳	لیسانس	سؤالات تلقینی
		۱۷/۰۰	۴/۰۰	فوق لیسانس	
		۱۹/۰۰	۴/۱۷	دکتر	
-./۰۷۷	۵/۱۲۷	۱۰/۰۶	۳/۷۰۸۳	لیسانس	ادراک
		۱۶/۴۴	۴/۲۰۸۳	فوق لیسانس	
		۲۰/۲۵	۴/۵۰۰۰	دکتر	
-./۰۷۱	۵/۲۶۵	۹/۷۵	۲/۵۶۳	لیسانس	هیجان
		۱۶/۸۸	۳/۰۲۱	فوق لیسانس	
		۱۹/۵۰	۳/۳۸۹	دکتر	
-./۰۱۴	۸/۵۹۰	۱۰/۲۵	۳/۳۷۵۰	لیسانس	حافظه
		۱۵/۰۰	۳/۸۷۵۰	فوق لیسانس	
		۲۳/۸۳	۴/۶۶۶۷	دکتر	

همان طور که ملاحظه می‌کنید در شاخص‌های شخصیت، سن، انگیزه و منفعت، سؤالات تلقینی، احساس و ادراک، هیجان و حافظه، میانگین رتبه به ترتیب سطح تحصیلات بالاتر رفته است. یعنی به عبارت دیگر، هرچه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، پیروی کردن از شاخص‌های روانشناسی نیز بیشتر می‌شود.

نتیجه

نتایج حاصل از بحث چارچوب نظری پژوهش، حکایت از تأیید فرضیه نخست که عبارت است از اینکه: با استفاده از یافته‌های روانشناسی می‌توان به شاخص‌های معتبری در خصوص ارزیابی میزان اعتبار شهادت شهود دست یافت، داشت. همان طور که در بحث روش تحقیق اشاره گردید، پرسش‌نامه با استفاده از مقیاس لیکرت در پنج سطح خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم سنجیده شد. نتایج حاصل از سنجش تأثیرپذیری قضات از معیارهای روانشناسی به شرح زیر می‌باشد:

۸۳ درصد از قضات به شاخص شخصیت در ارزیابی اعتبار شهادت شهود خیلی کم و ۱۶ درصد کم توجه می‌کنند.

در شاخص جنسیت، داده‌ها نشان دادند که ۳۰ درصد از قضات به این شاخص خیلی کم، ۲۰ درصد کم، ۴۰ درصد متوسط، ۲ درصد زیاد و ۱ درصد خیلی زیاد توجه می‌کنند.

در شاخص نژاد، ثابت شد ۵۶ درصد از قضات خیلی کم، ۳۰ درصد کم، ۱۰ درصد متوسط و ۳ درصد زیاد توجه می‌کنند.

۱۰ درصد از قضات به شاخص سن کم، ۳۲ درصد متوسط، ۳۶ درصد زیاد و ۳۰ درصد خیلی زیاد توجه می‌کنند.

۱۳ درصد از قضات به شاخص انگیزه و منفعت متوسط، ۲۶ درصد زیاد و ۶۰ درصد خیلی زیاد توجه می‌کنند.

۱۰ درصد از قضات به شاخص سؤالات تلقینی کم، ۳۰ درصد متوسط، ۳۰ درصد زیاد و ۳۰ درصد خیلی زیاد توجه می‌کنند.

داده‌های حاصل از شاخص‌های پرسش‌نامه که از بیش از یک سؤال تشکیل شده‌اند به شرح زیر است:

در شاخص احساس و ادراک که شامل ۳ سؤال می‌باشد، داده‌ها نشان دادند که ۱۰ درصد از قضات به هوشیاری کامل و صحت و سلامت حواس پنج‌گانه شهود در زمان تحمل شهادت کم، ۱۳ درصد متوسط، ۴۰ درصد زیاد و ۳۶ درصد خیلی زیاد توجه می‌کنند.

۱۰ درصد از قضات به هوشیاری کامل و صحت و سلامت حواس پنج‌گانه شهود در زمان ادای شهادت متوسط، ۴۳ درصد زیاد و ۴۶ درصد خیلی زیاد توجه می‌کنند. ۶ درصد از قضات به فاصله مکانی از واقعه که مشاهده صورت گرفته است کم، ۲۰ درصد متوسط، ۴۰ درصد زیاد و ۳۳ درصد خیلی زیاد توجه می‌کنند.

در شاخص هیجان نیز که شامل سه سؤال می‌باشد، ثابت شد که ۲۸ درصد از قضات به موضوع تأثیر تمرکز بر اسلحه که بر اعتبار شهادت تأثیر می‌گذارد کم، ۵۳ درصد متوسط و ۱۶ درصد زیاد توجه می‌کنند. به تأثیر هیجان‌ات در مرحله تحمل شهادت، ۳۰ درصد از قضات کم، ۴۰ درصد متوسط، ۲۳ درصد زیاد و ۶ درصد خیلی زیاد توجه می‌کنند. ۳ درصد از قضات به تأثیر هیجان‌ات در مرحله ادای شهادت خیلی کم، ۳۶ درصد متوسط، ۲۳ درصد زیاد و ۶ درصد خیلی زیاد توجه می‌کنند.

در نهایت در شاخص حافظه که شامل دو سؤال می‌شود، ثابت شد ۳ درصد از قضات به طول مدت رؤیت شاهد از واقعه کم، ۴۰ درصد متوسط، ۳۰ درصد زیاد و ۲۶ درصد خیلی زیاد توجه می‌کنند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های فوق با استفاده از آمار استنباطی اثبات می‌کند که قضات از شاخص‌های شخصیت، نژاد و هیجان در ارزیابی اعتبار شهادت شهود پیروی نمی‌کنند و ادعا کرده‌اند که از سایر شاخص‌ها پیروی می‌کنند. بنابراین فرضیه دوم پژوهش که عبارت است از اینکه؛ به نظر می‌رسد دادسراهای شهر تهران در ارزیابی اعتبار شهادت

شهود از شاخص و معیار مشخصی پیروی نمی‌کنند. در خصوص شاخص‌های شخصیت، نژاد و هیجان تأیید و در مورد سایر شاخص‌ها رد شد. و همچنین نتایج حاصل از بررسی دو متغیر جنسیت و سطح تحصیلات قضات نشان داد که، متغیر جنسیت تأثیری در پیروی کردن یا نکردن قضات از شاخص‌های روانشناسی ندارد و در نتیجه فرضیه سوم تأیید شد. اما متغیر سطح تحصیلات معنادار شد. به عبارتی هر چقدر سطح تحصیلات قضات بالاتر می‌رود، پیروی کردن از شاخص‌های روانشناسی نیز بیشتر می‌شود. بنابراین فرضیه چهارم که حکایت از عدم وجود رابطه معنادار بین سطح تحصیلات و پیروی کردن یا نکردن از معیارهای روانشناسی داشت، رد شد.

با توجه به نتایج پژوهش و به منظور ارتقای نظام عدالت قضایی توصیه می‌گردد که همگام با کشورهای پیشرفته، در کشور ما نیز از روش‌ها و فنون روانشناختی در ارزیابی اعتبار امر شهادت استفاده شود و برای رسیدن به این مهم، پیشنهاد می‌گردد که در دانشکده‌های حقوق، لااقل در مقاطع تحصیلات تکمیلی، دانشجویان ملزم به گذراندن واحد درسی تحت عنوان روانشناسی قضایی گردند. و همچنین تدریس این درس در برنامه آموزشی کارآموزان قضایی گنجانده شود. و در نهایت توصیه می‌گردد که در قانون حضور کارشناس شهادت در اتهامات مهم کیفری و دعاوی مهم حقوقی لااقل به تشخیص رئیس دادگاه به رسمیت شناخته شود.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- اتکینسون، ریتا ال، ریچارد سی اتکینسون، ادوارد ای اسمیت، داریل ج بم، سوزان نولن هوکسما. زمینه روانشناسی هیلگارد. ویرایش دوم. ترجمه محمدنقی براهنی و بهروز بیرشک و مهرداد بیک و رضا زمانی و مهرناز شهرآرای و یوسف کریمی و نیسان گاهان و مهدی محی‌الدین. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۲.
- اوشی، مایکل، مغز. چاپ دوم. ترجمه ابوالفضل حقیری، تهران: بصیرت، ۱۳۹۰.
- آی، ریچارد، لاینون، لئونارد دیوید گوداشتاين. *ارزیابی شخصیت*. ترجمه سیامک نقشبندی و علی قربانی و حمیدرضا شاهی برواتی و الهام ارجمند. تهران: انتشارات روان، ۱۳۸۲.
- دادستان، پریخ. *روانشناسی جنایی*. چاپ ششم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- عمیدی، علی، نظریه نمونه‌گیری و کاربردهای آن. ج ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷.
- گورف، فرانسوا. *روانشناسی قضایی*. ترجمه محمدحسین سروری. تهران: نوبهار، ۱۳۸۲.

ب. منابع انگلیسی

- Brickman, A. M., and YStern. *Aging and Memory in Humans*. New York. NY. USA: Columbia University, 2009.
- Clifford, B, and R. J Scott. "Individual and Situational Factors in Eyewitness Testimony." *Journal of Applied Psychology* (1978).
- Craik, F. I. M. "Age Difference in Recognition Memory." *Quarterly Journal of Experimental Psychology* (1971).
- Feller, Chole J. *Does Age Affect Short Term Memory*. California: State Science Fair, 2007.
- Gee, H. *Book Review. Eyewitness Testimony and Cross-racial Identification*. NewEngland: Law Review, 2000.
- Goodman, G, and B. Rudy and I. Davis. "Effects of Past Abuse Experiences on Childrens Eyewitness Memory." *Law and Human Behavior. American Psychological Association* (2001).
- Johnson, C, and B. Scott. "Eyewitness Testimony and Suspect Identification." *Journal of American Psychologist* (1979).
- Kapardis, Andreas. *Psychology and Law*. New York: Cambridge University Press, 2003.
- Karson, David. *Appling Psychology to Criminal Justice*. Uk: Institute of Criminal Justice Studies at the University of Portsmouth, 2007.
- Kline, D. W, and I. E. Baren. "Age Difference in Dichotic Listening." *Experimental Aging Research* (1975).
- Loftus, E. *Eyewitness Testimony*. Cambridge: Harvard University Press, 1997.
- Loftus, E., and G. R. Loftus and J. Messo. "Some Facts about Weapen Focus." *Law and Human Behavior* (1987).
- Myers, John E. A. "Adjudication of Child Sexual Abuse Cases." *Journal Sexual Abuse of Children* (1994).

Wells, G. L. M. R. Lipp and T. Ostrom. "Guidelines for Empirically Assessing the Fairness of Lineup." *Law and Human Behavior. American Psychological Association* (1979).

Yarmey, D. "Differences in Eyewitness Testimony. Personality and Individual Differences." *American Psychological Association* (2010).

Yarmey, D. *The Psychology of Eyewitness Testimony*. New York: Free Press, 1979.

Assessing Effectiveness of Testimony Psychology in Scientific Procedure of Tehran City Courts

Mohammad Ashouri (Ph.D.)

Professor of the University of Tehran\ Islamic Azad Science and Research Branch of Tehran

&

Asiye Akbarisharak

Master of Criminal Law and Criminology,

Islamic Azad University Science and Research Branch of Tehran.

Abstract

The aims of this article is to explain the impact of psychological findings on intuition testimony credibility and assessing scientific procedure of Tehran City courts, in this regard To provide indicators and criteria for assessing ting the testimony credibility.

The main question of this study is that how can psychology findings affect the assessment system of credibility. The method used in this research is library and field method and by means of testimony taking and questionnaire. The study statistical population included all judges in Tehran courts and statistical sample are 30 people from courts judges who were selected using random sampling method. Information collected using descriptive and inferential statistics and parametric or non-parametric tests analyzed by SPSS software. The findings of this study show that using psychology findings, can be reached to reliable indicators to assess testimony credibility. In addition statistical analysis indicates that the judges of Tehran prosecutor's offices not follow some psychology indicators in assessing intuition testimony credibility.

Keywords: Testimony, Assessment, Testimony Psychology, Witness Credibility.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. IV, No. 1

2016-1

- **The Analysis of Effects of Imprisonment on Prisoners Based on “Gabriel Tarde’s Imitation Laws”**
Mehdi Fazli & Shahin Darabipanah
- **Remote Testimony (Analysis Article 186 of the Islamic Penal Code)**
Abolghasem khodadi (Ph.D.) & Ali Khaledi
- **Assessing Effectiveness of Testimony Psychology in Scientific Procedure of Tehran City Courts**
Mohammad Ashouri (Ph.D.) & Asiye Akbarisharak
- **Unilateral Sanctions against Iran in the Context of International Criminal Law: Crime against Humanity?**
Sayed Ghasem Zamani (Ph.D.) & Hossein Farahi & Aramesh Shahbazi (Ph.D.)
- **The Concurrence of the International Responsibility of Individual and State for Aggression**
Hilda Rezaee & Sadegh Salimi (Ph.D.)
- **Restorative Aspects of Plea Bargaining in the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)**
Fateme Sadat Ghoreishi & Mahdi Momeni (Ph.D.)



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study